پرستش خدا

نوشته کشیش تت استیوآرت

موسسه تعلیم
TALIM Ministries

بخش اول

پرستش خدا چیست؟

"ای خداوند، مستحقی که جلال و اکرام و قوت را بیابی" (مکاشفه ۴:۱۱)

پرستش، نبض زندگی مسیحی است چرا که هر فرد مسیحی آفریده شده تا پرستش کند. گناه موجب ویرانی پرستش گردید زیرا گناه سبب شد که بشر از خدایش جدا گردد و ارتباطش با او قطع شود. اما فدیه الهی به‌واسطه مسیح، پرستش واقعی را بار دیگر برقرار داشت. به‌واسطه عهد نوین در خون مسیح است که گناهکاران می‌توانند بار دیگر با حمد به صحن‌های خداوند داخل شوند. رسالت کلیسا این است که پرستش راستین را بر روی زمین برقرار سازد. آن گاه که شعله‌های پرستش با حرارت شایستگی راستین الهی زبانه می‌کشد، شهادت کلیسا به عمق تاریکی نفوذ می‌کند، حتی در دورافتاده‌ترین نقاط زمین. پرستش طعمی است از آسمان، زیرا یوحنای رسول چون چشم به آسمان بر افراشت، توده‌ای عظیم از مردمان از هر ملت را دید که در ستایش خدا می‌سراییدند (مکاشفه ۷:۹-۱۲). در آسمان، همگان خدا را پرستش خواهند کرد و بدینسان شهادت خواهند داد که پرستش، نشان فرا رسیدن فرمانروایی اوست. لذا پرستش وظیفه هر مسیحی است، چرا که ایمانداران به‌هنگام پرستش است که این امید خود را ابراز می‌دارند که خدا فرمانروایی خواهد کرد و هر ناعدالتی به حضور تخت سلطنت او آورده خواهد شد. بنابراین، پرستش همانا واکنش مثبت ایمانداران به خدا و به کاری است که او برای ایشان انجام داده است. پرستش کتاب‌مقدسی این نیست که شخص خدا را بپرستد تا از طریق آن چیزی دریافت دارد، بلکه به این سب است که فقط خدا سزاوار

پرستش می‌باشد. آنچه مرا بر آن داشته تا به موضوع پرستش خدا بپردازم، اشتیاق قلبی من است برای آنکه جلسات پرستشی ما باعث خشنودی خدا گردد. کتاب‌مقدس بارها در خصوص پرستش نادرست هشدار داده است و این امر ما را تشویق می‌کند تا توجهی جدی به درک موضوع پرستش از دیدگاه کتاب‌مقدس داشته باشیم. در بخش اول این مقاله از مجموعه مقالاتی که عنوانش را ''پرستش خدا'' گذاشته‌ام، خواهیم کوشید تعریفی را که کتاب‌مقدس از پرستش راستین به‌دست می‌دهد مورد بررسی قرار دهیم.

اجزاء پرستش راستین

عهدعتیق و عهدجدید برای پرستش خدا از کلمات گوناگونی استفاده می‌کند. وقتی تمام این کلمات را کنار هم قرار می‌دهیم، متوجه می‌شویم که پرستش در کتاب‌مقدس از سه جزء اساسی تشکیل شده است.

جزء نخست

جزء نخست این است که پرستش ''حالتی قلبی است''. سلیمان می‌فرماید: لیکن تو از خدا بترس'' (جامعه ۷:۵). پرستش یعنی اینکه در قلب خود با ترس و احترام در حضور خدا سجده کنیم. نویسنده رساله به عبرانیان می‌فرماید: بیایید شکرگزار باشیم و خدا را با ترس و هیبت، عبادتی پسندیده نماییم'' (عبرانیان ۲۸:۱۲، هزاره نو). پرستش راستین باید همراه باشد با حسی عمیق از ترس از قدوسیت و قدرت مطلق خدا و فروتنی ما در حضور او که ما را محبت نمود و پسرش را فرستاد تا در راه ما جانفشانی کند.

جزء دوم

جزء دوم، ''بروز یافتن حالت قلبی'' از طریق شکل‌های مختلف

پرستش است. ما دعوت شده‌ایم تا در حضور او سجده کنیم: ”بیایید عبادت و سجده نماییم و به حضور آفریننده خود خداوند زانو زنیم“ (مزمور ۶:۹۵). برای ستایش او باید لبهای خود را به‌کار ببریم: ”خداوند را در هر وقت متبارک خواهم گفت؛ تسبیح او دائماً بر زبان من خواهد بود“ (مزمور ۱:۳۴). باید برای او سرود بسراییم: ”برای خداوند سرود خواهم خواند زیرا که به من احسان نموده است“ (مزمور ۶:۱۳). سرود خواندن ما شهادتی است که در باره محبتمان به مسیح به یکدیگر می‌دهیم: ”با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکرگزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید“ (کولسیان ۱۶:۳). باید تمامی وجود خود را بیاوریم و در حضور او سجده کنیم و هر چه داریم به‌کار ببریم تا به همه اعلام نماییم که خدای ما کیست. خدا قوم خود را فرا می‌خواند تا با هم گرد آیند و پرستش نمایند تا در باره جامعه نوین الهی به جهان شهادت دهند: ”از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم...“ (عبرانیان ۲۵:۱۰، هزاره نو). در پرستش گروهی، بدن مسیح می‌تواند به‌واسطه بنا و تشویق متقابل، عمل کند. با حضور مرتب در پرستش، به جهان شهادت می‌دهیم که متعلق به مسیح هستیم، و نشان می‌دهیم که به خداوندگاری عیسی مسیح و کلیسایی که در راه آن جانفشانی کرد، متعهد می‌باشیم.

جزء سوم

سومین جزء این است که پرستش فقط ابراز احساسات به خدا یا اجرای اَشکال مختلف پرستش نیست، بلکه ”امری است که به عقل و اراده نیز مربوط می‌شود.“ پرستش فکر انسان را بسوی اسرار الهی هدایت می‌کند و ایماندار را با صفات پرهیبت الهی رو در رو

می‌سازد؛ پرستش، ایماندار را به توبه و اطاعت از اراده خدا فرا می‌خواند و واکنشی است به خدای ابدی که خود را به‌واسطه شخص مسیح و کار او آشکار ساخته است. پولس رسول می‌فرماید: ”لهذا، ای برادران، شما را به رحمت‌های خدا استدعا می‌کنم که بدن‌های خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا بگذرانید که عبادت معقول شما است“ (رومیان ۱:۱۲). پرستش راستین همراه است با مکاشفه‌ای روحانی زیرا تا به رحمت‌های خدا در مسیح چشم ندوزیم، پرستش راستین صورت نمی‌گیرد. هیچ کس نمی‌تواند عیسی را خداوند بخواند مگر آنکه روح‌القدس این امر را برای او آشکار ساخته باشد. ”خدا روح است و هر که او را پرستش کند، باید به روح و راستی بپرستد“ (یوحنا ۲۴:۴).

ثمرات پرستش

پرستش خدا سبب می‌شود که در قلب پرستش‌کننده ثمراتی حاصل شود. با اطمینان فراوان می‌توانیم بگوییم که پرستش مسیح مرهمی است برای تمام دردهای انسان. در پرستش راستین، انسانهای متکبر فرا خوانده می‌شوند تا تمام وجود خود را به خدا تسلیم کنند و بطور کامل به او تکیه نمایند. به‌هنگام پرستش، وجدان خوابیده انسان با شعله قدوسیت خدا فروزان می‌گردد. با شنیدن موعظه کلام خدا، فکر خموده انسان که در اثر حماقت فلسفه‌های دنیوی همچون زمینی تشنه و خشک شده است، با حقایق آسمانی سیراب می‌گردد. ”انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد“ (متی ۴:۴). ایمانداران هنگامی که پرستش می‌کنند، اغلب پی می‌برند که دل مجروحشان از سر نو یقین یافته که پسر محبوب خدا ایشان را پذیرفته و دوست می‌دارد. دلهایی که زمانی نسبت به رحمت خدا سخت شده بود و به روی آن بسته بود، بار دیگر به‌واسطه فیض خدا گشوده می‌شود؛ و دیوارهای تلخ کینه که مقدسین

را از یکدیگر جدا می‌ساخت، به دست کسی که جانش را در راه آنان فدا کرد فرو می‌ریزد. پرستش طعمی است از آسمان و وسیله‌ای است که خدا مقرر کرده تا بتوانیم از حضورش فیض ببریم و نامش را جلال بدهیم تا به ابد.

بخش دوم

پرستش نادرست چیست؟

"قوم من دو کار بد کرده‌اند: مرا که چشمه آب حیاتم، ترک نموده و برای خود حوض‌ها کنده‌اند، یعنی حوض‌های شکسته ک آب را نگاه ندارد" (ارمیا ۲: ۱۳).

در نخستین مقاله از مجموعه "پرستش خدا"، تعریف پرستش در مسیحیت را از دیدگاه کتاب‌مقدس بررسی کردم. پرستش همانا واکنش قوم خدا به شناخت او است؛ ایشان از طریق پرستش، تصدیق می‌کنند که فقط او خدای واقعی است؛ ایشان او را مطابق کلامش می‌پرستند و جلال می‌دهند. کلام خدا می‌فرماید: "تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد" (خروج ۲۰: ۳). پرستش نادرست می‌تواند این باشد که جلالی را که سزاوار خدا است، به او ندهیم و آن را به شخص دیگری بدهیم. پرستش نادرست می‌تواند به معنی پرستش خدایان اشتباه (بت‌پرستی) یا پرستش خدا به روشهای نادرست باشد. اما شکی نیست که پرستش نادرست، لطمات فراوانی به‌همراه می‌آورد. کلیسا وقتی به شیوه‌ای نادرست پرستش می‌کند، نه فقط باعث رنجش خدا می‌گردد، بلکه تحقق اراده او در جهان را به تأخیر می‌اندازد. کلیسایی که خدا را به روش درست نمی‌پرستد، در شهادتش به جهان ضعیف شده، اشتیاق لازم برای نجات گمشدگان را از دست خواهد داد. چنین کلیسایی، باعث تولید ایماندارانی دگرگون‌شده نخواهد شد، ایماندارانی

که خصائل و رفتارشان، جلال مسیح را به جهان منعکس می‌سازد. برای همه شبانان و همه خادمان راستین خداوند حیاتی است که خواست خدا را در زمینه چنین پرستشی درک کنند. برای نوشتن این مقاله، کتاب‌مقدس را بسیار مورد جستجو قرار دادم تا پرستش نادرست را درک کنم و از خوانندگان نیز بخواهم تا خصوصیات این نوع پرستش را صادقانه مطالعه کنند.

آنچه که در کانون ایمان مسیحی ما قرار دارد، برقراری مجدد ارتباط ما با خدا از طریق کار رهایی‌بخش عیسی مسیح بر صلیب می‌باشد. زندگی مسیحی بر رابطه‌ای هرروزه با خدا به واسطه قدرت روح‌القدس بنا شده؛ پرستش راستین باید همراه باشد با مشارکت صمیمانه با مسیح. متاسفانه، در سراسر کتاب‌مقدس شاهد مواردی هستیم که طی آنها مردم خدا را به روشی نادرست پرستش کرده‌اند.

نکته مهمی که کلام خدا در مورد پرستش عنوان می‌کند، حالت قلبی ما انسانها است. خداوند در اشعیا ۲۹: ۱۳ می‌فرماید: "این قوم از دهان خود به من تقرب می‌جویند و به لبهای خویش مرا تمجید می‌نمایند، اما دل خود را از من دور کرده‌اند؛ و ترس ایشان از من، وصیتی است که از انسان آموخته‌اند."

خدا چه نکته دردناکی را در مورد روش پرستش قومش عنوان می‌کند. خدا خواهان اطاعتی کامل به‌هنگام پرستش می‌باشد (ر.ش. رومیان ۱۲: ۱). اطاعتی که خدا مشتاق آن است، قلب ما است، نه اعتراف ظاهری ما یا عادت‌های مختلف پرستشی. وقتی خود را برای رهبری پرستش در کلیسا آماده می‌سازید، بسیار مهم است که بدانید چگونه دل مردم را به عبادت خدا جذب کنید. و مشکل ما در عبادت و پرستش خدا، همین دل است. دل انسان می‌تواند در چند حالت نادرست قرار داشته باشد که موجب قطع ارتباط با خدا شده، پرستش را باطل می‌سازد. بیایید این حالت‌های نادرست را بررسی کنیم.

● *دلی بی‌ایمان*. "زیرا قلب این قوم سنگین شده و به گوشها به سنگینی

شنیده‌اند و چشمان خود را بر هم نهاده‌اند..." (متی ۱۳: ۱۵). وقتی مسیحیان در محفل قوم خدا می‌نشینند و سرود می‌خوانند و با لبهای خود خدا را می‌ستایند، اما به وعده‌های خدا اعتماد نمی‌کنند و باور ندارند که خدا می‌تواند نیازهایشان را برآورده سازد، پرستش ایشان برای خدا خوشایند نیست؛ بی‌اعتمادی ایشان، مشارکت و ارتباط لازم را می‌گسلد.

● *دلی تلخ.* "و مترصد باشید مبادا کسی از فیض خدا محروم شود و ریشه مرارت نمو کرده، اضطراب بار آورد و جمعی از آن آلوده گردند" (عبرانیان ۱۲: ۱۵). باز مشاهده کنید که چگونه وضعیت گناه‌آلودِ دل، می‌تواند ارتباط با خدا و با دیگران را بگسلد. فیض خدا نمی‌تواند از طریق شخصی جریان یابد که حاضر به بخشیدن دیگران نیست و دلش را با کینه نسبت به دیگران سخت می‌سازد. خدا جان فرزند یگانه خود را در راه گناهکاران فدا کرد؛ پس چه اهانتی است به خدا که انسان این فیض را دریافت دارد اما نخواهد آن را به دیگران منتقل سازد. اگر شخص به‌هنگام پرستش پی ببرد که دیگران را نبخشیده است، باید جلسه را ترک گوید و برود و رابطه خود را با آنان اصلاح کند و آنگاه باز گردد و قربانی خود را به خدا تقدیم کند (متی ۵: ۲۳-۲۴).

● *دلی حق‌به‌جانب.* "خدایا تو را شکر می‌کنم که مثل سایر مردم... نیستم... هر هفته دو مرتبه روزه می‌دارم و از آنچه پیدا می‌کنم، دهیک می‌دهم" (لوقا ۱۸: ۱۰-۱۲). اینها کلمات آن فریسی حق‌به‌جانب است که با نظر تحقیر به باجگیری نگاه می‌کرد که کمی دورتر، به عبادت ایستاده بود. شخصی که خود را عادل می‌پندارد، نمی‌تواند خدا را عبادت کند چرا که با تصوراتی نادرست به خدا تقرب می‌جوید. فکر می‌کند که کارهای نیکش در نظر خدا پسندیده است و وفاداری مذهبی‌اش، خدا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. غافل از اینکه این قبیل اعمال مذهبی موجب غرور است و این احساس را در شخص به‌وجود می‌آورد که کار مهمی برای خدا انجام داده است. اشعیای نبی یادآوری می‌کند که اعمال عادله ما از نظر خدا، همچون کُهنه‌ای کثیف است (اشعیا ۶۴: ۶).

● *دلی فریبکار.* "زیرا هر جا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود" (متی ۶: ۲۱). پرستش راستین همواره برخاسته از جایی است که قلب پرستنده در آن قرار دارد. روزی به یک بازرگان شهادت می‌دادم. از من جزوه‌ای خواست. به او دادم. او تکمه پیراهن خود را باز کرد و کیف پولش را که به گردنش آویزان بود نشان داد و آن جزوه را در آن، در کنار پولها گذاشت. خیلی خوشحال شدم چون دانستم که کلام خدا را درست در جایی گذاشته که قلبش آنجا است. وقتی به‌هنگام پرستش اعلام می‌کنیم که خدا را دوست داریم، اما گنج واقعی‌مان نزد یک فرد یا یک دارایی است، پرستشمان نادرست است، زیرا خداوند خدایمان را با تمامی دل دوست نمی‌داریم.

● *دو دلی.* در یعقوب ۱: ۶-۸ در باره وضعیت قلبی دیگری سخن می‌گوید که پرستش را خدشه‌دار می‌سازد، و آن دو دلی است. یعقوب می‌فرماید که نمی‌توانیم در آن واحد، هم دوست دنیا باشیم و هم دوست خدا. دو دل کسی است که می‌کوشد همزمان در دو جهت مخالف حرکت کند. چنین شخصی در پرستش دچار فلج می‌گردد، زیرا یک پایش در دنیا است و پای دیگرش در کلیسا. پرستش او نادرست است زیرا از کلیسا برای برخی منافع شخصی استفاده می‌کند و نمی‌تواند از کشش ارزشهای این دنیا چشم بپوشد.

● *دلی یاغی.* "هدایای باطل دیگر میاورید... گناه را با محفل مقدس نمی‌توانم تحمل نمایم" (اشعیا ۱: ۱۳). در این فصل آغازین از کتاب اشعیا، خدا دلشکستگی خود را از پرستش نادرستِ فرزندانِ یاغی خود ابراز می‌دارد. وقتی کسی گناه می‌کند و بر دیگران ستم می‌راند، و در عین حال، می‌کوشد با کارهای مذهبی‌اش نظر خدا را جلب کند، او را مورد اهانت قرار می‌دهد. وظیفه نبی این است که قوم خدا را به‌سوی زندگی مقدس فرا خواند و ایشان را تعلیم دهد که راههای یاغی‌گرانه و گناه‌آلود خود را کنار بگذارند.

اکنون که این مطالب را در خصوص وضعیت‌های مختلف دل انسان مطالعه کردید، وضعیت‌هایی که سبب می‌شود مسیحیان فقط با لبهای خود عبادت کنند و نه با تمام دل خویش، ممکن است این سؤال برایتان پیش آید که آیا کسی در جلسات عبادتی روز یکشنبه هست که با چنین حالتی عمیق خدا را بپرستد! مسأله اینجا است که باید توجه داشته باشیم که ما اکثراً با مشکلات خود در عبادات کلیسایی حضور می‌یابیم؛ اما شما اگر خادمی هشیار باشید، این امر را در نظر خواهید داشت و وقتی را در جلسه، به اعتراف و تجدید رابطه با خدا اختصاص خواهید داد تا ایمانداران با دلی پر از ستایش و شکرگزاری در جلسه حاضر شوند. اگر چنین وقتی را برای اعتراف و طلب آمرزش گناهان اختصاص ندهید، جلساتتان در خطر سقوط در گناهِ عبادت سطحی قرار خواهد گرفت که باعث اندوه خدا خواهد شد، چرا که او مشتاق است قومش او را با تمام دل عبادت نمایند. (ادامه دارد)

بخش سوم

محک پرستش راستین

"خدا روح است و هر که او را پرستش کند، می‌باید به روح و راستی بپرستد" (یوحنا ۴: ۲۴)

انسان فطرتاً موجودی است مذهبی، اما به‌طور طبیعی خدای زنده را پرستش نمی‌کند؛ پرستش واقعی زمانی حاصل می‌شود که خدا خودش مستقیماً در روح او کار کند. انسان اگر به حال خود رها شود، گرایش دارد که خدایان دروغین و بتها را بپرستد. در بخش پیشین این مجموعه، به تمایل بشر به اَشکال گوناگون پرستش‌های نادرست اشاره کردم. در این شماره، می‌خواهیم توجه خود را به محک‌های پرستش راستین معطوف سازیم. برای این منظور، تعلیمی

را که خداوند عیسی مسیح در طی سخنانش به زن سامری ارائه داد بررسی خواهیم کرد؛ مسیح در این تعالیم، نکاتی بس عمیق در خصوص ماهیت پرستش راستین خدا به دست داده است.

سخنان عیسی خطاب به زن سامری بر سر چاه، در مضمون و چارچوبی بسیار خاص بیان شده. هر چقدر که عیسی انگشت بر زندگی فاسد آن زن می‌فشرد، او بیشتر ظاهر مذهبی به خود می‌گرفت؛ تا اینکه سرانجام موضوع پرستش را پیش کشید. همانطور که مشاهده می‌کنیم، این زن می‌کوشید توجه مقدس عیسی به زندگی خود را منحرف سازد و بحث پرستش را پیش بکشد. این امر ما را متوجه محکی بنیادین برای پرستش راستین می‌سازد؛ و این محک این است که آیا قادریم در پیشگاه مقدس مسیح بایستیم و او را پرستش نماییم، با اطمینان به اینکه با قربانی او بر صلیب تطهیر شده‌ایم؟ سپس متوجه می‌شویم که این زن می‌کوشید مسائل ثانوی را تبدیل به مسائل اولیه و مهم بسازد. می‌کوشید به‌جای بحث در باره کارکردهای اساسی پرستش، در باره اَشکال پرستش بحث کند. می‌خواست در این باره بحث کند که پرستش باید در چه مکانی صورت گیرد، و از اینراه، اعتقاد یهودیان را زیر سؤال ببرد که عبادت باید در اورشلیم انجام شود. این بحث باید به ما هشدار دهد که نشانه‌های پرستش راستین و واقعی، محل یا شکل آن نیست؛ این سؤالات در مورد اَشکالی هستند که به‌واسطه آنها، پرستش مجال بروز می‌یابد، اما توجهی به ذات و ماهیت پرستش نمی‌شود. پس لازم است به تعریف و توصیفی که خودِ خداوند ما در خصوص پرستش به‌دست داد، توجه کنیم.

تعلیم عیسی ساده است، اما عمیق. "اما زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرارسیده است، که پرستندگانِ راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جویای چنین پرستندگانی است" (یوحنا ۴: ۲۳، هزاره نو). آیا تعریفی از این روشنتر امکان

دارد؟ خدا جویای پرستندگانی است که او را در روح و در راستی می‌پرستند. این حقیقت محک پرستش راستین و قابل قبول را به‌دست می‌دهد.

پرستش راستین باید در قدرت روح‌القدس انجام پذیرد

پرستش خدا در روح بدین معنا است که پرستندگان باید در روح‌القدس باشند. "زیرا ختنه‌شدگان واقعی ماییم که در روح خدا عبادت می‌کنیم، و فخرمان در مسیحْ عیسی است و به افتخارات انسانی خود اتکا نداریم" (فیلیپیان ۳: ۳، هزاره نو). پرستش راستین را آنانی انجام می‌دهند که از روح‌القدس تولد نو یافته‌اند و مطیع خدمت او شده‌اند، زیرا او است که حقیقت را آشکار می‌سازد (یوحنا ۱۶: ۱۳) و عیسی مسیح را جلال می‌دهد. هیچ واعظ و هیچ کلیسایی قادر نیست حضور روح‌القدس را تضمین کند؛ اگر چنین چیزی امکان‌پذیر می‌بود، کیسا درگیر نوعی شعبده‌بازی می‌گردید و انسان قادر می‌شد از این قدرت برای جلال و افتخار خود استفاده کند. اما چنین نیست، بلکه پرستندگان راستین از روح‌القدس خواستار پاکی و تقدس می‌شوند و از او می‌طلبند که ایشان را به حضور مسیح بیاورد. این امر مستلزم آن است که رهبران پرستش در جلسات کلیسایی، وقت زیادی صرف دعا کنند و از روح‌القدس بخواهند که در هر جلسه حاضر باشد. پرستش بدون روح‌القدس عملی است انسانی و به‌دور از برکت الهی، و چیزی جز اجرای آیینی مذهبی برای کسب عدالت شخصی نیست. اما پرستش راستین کاری است که خدا در میان قومش انجام می‌دهد.

پرستش راستین باید در درون روح انسان انجام پذیرد

وقتی عیسی می‌فرماید که پدر جویای کسانی است که او را در روح بپرستند، به بُعد دیگری از پرستش نیز اشاره می‌کند که مربوط می‌شود به شفافیت و صفای کامل روح انسان و تسلیم او به مسیح. اما متأسفانه بیشتر پرستشها در حوزه واکنشی طبیعی به خدا باقی می‌ماند. بدین معنی که ممکن است تحت تأثیر موسیقیِ پرشور و پرهیاهوی کلیسا یا واعظان کریزماتیک که در فن تحریک و تهییج عواطف انسان مهارت کسب کرده‌اند، به هیجان بیاییم؛ اما این نوع پرستش، آن پرستش راستین در روح نیست. یا ممکن است از لحاظ عقلانی در اثر موعظه‌های واعظان برجسته تحریک شویم یا تحت تأثیر قدرت متقاعدکننده کلام ایشان قرار گیریم، اما چنین حالاتی در نهایت، چیزی جز واکنشی عقلانی پدید نمی‌آورد. یا باز ممکن است از نظر اخلاقی ترغیب شویم تا کارهای عام‌المنفعه و خیرخواهانه انجام دهیم، اما این نیز در بهترین حالت، چیزی در سطح اخلاقیات باقی خواهد ماند. اما پرستش در روح زمانی تحقق می‌یابد که تمامی وجود شخص به‌واسطه مسیح، با فروتنی، مطیع خدای قادر مطلق گردد و شخص طوری به محبت او توکل کند که در پیشگاه او کاملاً عریان شود بدون آنکه در اثر قدوسیت او نابود گردد. در چنین شرایطی است که احساسات و افکار ما می‌تواند تحت کنترل روح‌القدس قرار گیرد. بدینسان، پرستش در روح به این معنا است که خدا تمامیت وجود انسان را- یعنی فکر و احساسات و بدن او را- تحت کنترل روح‌القدس قرار دهد.

پرستش در راستی یعنی پرستش مسیح که راه و راستی و حیات است

از تعالیم مسیح روشن است که او خود را "راستی" معرفی می‌کند. لذا اگر کسی می‌خواهد خدا را به‌درستی عبادت کند، باید مسیح را بشناسد و او را نقطه مرکزی پرستش خود قرار دهد، گرچه مسیح اکنون در آسمان است. "مستحق است بره ذبح‌شده که قوت و دولت و حکمت و توانائی و اکرام و جلال و برکت را بیابد" (مکاشفه ۵: ۱۲). از آنجا که مسیح باید در مرکز پرستش و عبادت ما قرار داشته باشد، این امر را باید در تمام جوانب عبادت خود منعکس سازیم. به همین جهت است که ما مسیحیان در روز یکشنبه عبادت می‌کنیم تا قیام او را به یاد آوریم؛ به نام او دعا می‌کنیم چرا که در اثر فداکاری او بر صلیب است که راه آسمان به روی ما گشوده شده است؛ و در موعظه‌هایمان، اعلام می‌کنیم که مسیح مصلوب شد و قیام کرد و باز می‌گردد، و مردم را به توبه و اطاعت دعوت می‌کنیم. از طریق آیین عشاء ربانی نیز به‌طور خاص مرگ و قیام پرجلال او را به یاد می‌آوریم.

پرستش در راستی مستلزم مواجه شدن با خویشتن است

پرستش در راستی همچنین به معنی رویارو شدن با زندگی خودمان در پرتو راستی او است. پرستش در راستی مستلزم این است که با حقیقت وجود خودمان مواجه شویم و بکوشیم تا خود را با مکاشفه‌ای که مسیح در کلامش داده، انطباق دهیم. اخیراً شخصی از من پرسید: "وقتی کسی نیست که تو را ببیند، چه نوع شخصی هستی؟" او می‌خواست بداند که من تا چه میزان درک کرده‌ام که زندگی‌ام باید زیر نگاه خدا باشد، یا زیر نگاه مردم. پرستش راستین یعنی اینکه

همه چیز را زیر نگاه مقدس خدا قرار دهیم. این بدان معنا است که در عبادت، باید از آن اموری که در زندگی‌ام خدا را خشنود نمی‌سازد آگاه باشم، و از او طلب آمرزش کنم. در پرستش و عبادت گروهی، این بدان معنا است که باید مراقب باشیم تا مبادا روشهای غیر کتاب‌مقدسی وارد عبادت ما گردد. برای مثال، باید مراقب باشیم که دادن هدایا به خدا برای کسب آمرزش، جای توبه قلبی را نگیرد؛ باید مفهوم عمیق ده‌یک را تعلیم دهیم تا ایمانداران فکر نکنند که دادن ده‌یک ایشان را در حضور خدا عادل می‌سازد؛ باید از هر عملی که موجب جلال یافتن نوازندگان یا واعظ می‌شود اجتناب ورزیم. در عبادت و پرستش خدا، دعوت می‌شویم تا با وضعیت روحانی واقعی خود مواجه شویم و از خدا رحمت بیابیم و زندگی خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم نماییم.

بخش چهارم

ثمره پرستش راستین

"همه ما چون با چهره بی‌نقاب جلال خداوند را در آینه می‌نگریم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می‌شویم" (۲- قرن ۳: ۱۸).

ثمره: تبدیل و دگرگونی

ثمره پرستش کتاب‌مقدسی، تغییر و تبدیل خصائل و رفتار پرستندگان است. زندگی شخصیت‌های کتاب‌مقدس را مطالعه کنید و خواهید دید که چه رابطه‌ای میان پرستش و زندگی ایشان دیده می‌شود. پرستش ابراهیم از او شخصی با ارزشهای روحانی پدید

آورد که در تناقض کامل با لوط قرار داشت که در پی ثروت دنیوی بود. تجربه عبادتی موسی در بوته مشتعل، او را از فردی مردد به قهرمان بزرگ ایمان تبدیل کرد. داود حقایقی ابدی در خصوص نوع شخصیتی که خدا مد نظر داشت، آموخت. (ر.ش. مز ۲۵: ۹). علی‌رغم تمام این شواهد در کتاب‌مقدس در زمینه تحولی که پرستش راستین پدید می‌آورد، جای تعجب است که مسیحیان اغلب این واقعیت را از یاد می‌برند. اغلب اوقات مشاهده می‌کنیم که جلسات پرستشی ما حول محور درخواستهای ما از خدا می‌چرخد. گویی تشویق می‌شویم که پرستش را وسیله‌ای برای فرار از واقعیت‌های دشوار زندگی بپنداریم و توجه نداشته باشیم که چگونه خدا در میان نسلی سقوطکرده کار می‌کند تا تغییری در خصائل انسان به‌وجود آورد. هدف من در این مقاله این است که نشان دهم پرستش واقعی منجر به تحولی چشمگیر در طبیعت انسان می‌گردد و این امر خود موجب شفای روابط شده، خدمت خداپسندانه را سبب می‌گردد.

در قلب پرستش، محبت خدا قرار دارد که به‌طور کامل در صلیب نمودار شد (روم ۵: ۸). می‌دانیم که پیش از آنکه با خون مسیح فدیه داده شویم، خدا را دوست نداشتیم؛ در واقع، دشمن او بودیم (روم ۵: ۱۰). وقتی به‌واسطه روح‌القدس تولد تازه یافتیم و خدا ایمان به مسیح را به ما بخشید، نخستین نشانه آن، محبت به مسیح بود. شخص نوایمان معمولاً مسیح را برای آنچه که به او داده است، دوست می‌دارد؛ به‌عبارت دیگر، هدیه را بیش از هدیه‌دهنده محبت می‌کند. در طول زمان، بسیاری از مسیحیان رشد می‌کنند و در می‌یابند که خدا را باید برای وجود خودش پرستید. خدا شایسته پرستش است! اما پیش از آنکه این تحول عمیق بتواند صورت گیرد، ایماندار باید درک کند که محبت واقعی به خدا، یعنی دوست داشتن او برای وجود خودش (ر.ش. ۲-قرن ۵: ۱۴-۱۵). لذا هدف پرستش باید این باشد که چنان اسیر محبت خدا در مسیح باشیم که تمام وجود خود را

همچون قربانی زنده به او تقدیم کنیم.

قلب پرستش: تبدیل شدن

پولس در رومیان ۱۲: ۱-۲، به قلب پرستش تحول‌بخش می‌رود. در این آیات، او "تبدیل شدن" را با "همشکل شدن" در تقابل قرار می‌دهد. او می‌گوید که قدرت جهان در این است که ما را همشکل خود سازد و ظاهر ما را شکل بخشد، زیرا جهان قدرت این را ندارد که خطائل الهی را در ما پدید آورد. واقعیت غم‌انگیز این است که در بسیاری از کلیساها یگانه روشی که شبان آموخته تا به‌کار ببرد، این است که پرستش را مطابق روشهای این جهان انجام دهد، و نه اینکه اعضا را به‌سمت تحول و تغییری درونی هدایت کند. پولس می‌فرماید که "چنین اشخاص، رسولان کذبه (دروغین)... هستند" (۲-قرن ۱۱: ۱۳-۱۵). در نقطه مقابل آن، می‌بینیم که پولس در رومیان ۱۲، به مسیحیان تعلیم می‌دهد که اگر به رحمت خدا واکنش مثبت نشان دهند و زندگی خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم کنند، خدا خشنود می‌شود و ایشان قادر خواهند شد خدا را به‌گونه‌ای راستین و تکریم‌آمیز بپرستند. اکنون به اجزاء تشکیل‌دهنده پرستش دگرگون‌کننده خواهیم پرداخت.

تقدیم بدن خود چون قربانی

بسیار روشن است که پرستش مسیحی هرگز نباید امری مکانیکی و بی‌تفکر باشد. بر عکس، پولس به پرستندگان یادآوری می‌کند که باید رحمت‌های خدا را مد نظر داشته باشند و با تقدیم قربانی به خدا، به این رحمت‌ها واکنش نشان دهند؛ این قربانی همانا بدن ما است. پولس با این کلمات، می‌خواهد ما قاطعانه درک کنیم که باید تمام وجود خود را بیاوریم و آن را به خدا تقدیم کنیم. او بدن ما را به معبد

خدا تشبیه می‌کند، معبدی که باید آکنده از پرستش راستین شود (ر.ش. ۱-قرن ۶: ۱۹-۲۰). به‌هنگام پرستش، دعوت می‌شویم که زندگی خود را با قدوسیت مسیح همسو سازیم و اگر جزئی از وجود ما ابزاری در دست ناراستی باشد، باید که توبه کنیم و با تسلیم کامل به خدا، خود را همچون قربانی به او تقدیم نماییم. پرستشی که ایمانداران را به چنین توبه‌ای سوق ندهد، هرگز موجب دگرگونی در خصائل و رفتار نخواهد شد.

تقدیم فکر خود همچون قربانی

همچنین در این بخش حیاتی از کلام خدا، روشن است که پرستندگان دعوت شده‌اند تا عقل و ذهن خود را به خدا تقدیم کنند. می‌فرماید: "بلکه به تازگی ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید" (روم ۱۲: ۲). تعلیم پولس با تعلیم خداوند ما هماهنگ است که می‌فرماید: "خداوند خدای خود را به...تمام فکر خود محبت نما" (لوقا ۱۰: ۲۷). به همین سبب است که هر جلسه پرستشی باید از تعلیم دقیق کتاب‌مقدس برخوردار باشد و پرستندگان نیز آگاه باشند که خدا چه نوع واکنشی را از ما انتظار دارد. باید که تعالیم مقدس کلام خدا را دوست بداریم زیرا آنها ابزاری به دست می‌دهند تا حقیقت را تشخیص دهیم و در عدالت تربیت شویم (۲-تیمو ۳: ۱۶). بدبختانه، در بسیاری از جلسات پرستشی، چنین به‌نظر می‌رسد که واعظ می‌پندارد دگرگونی و تحول از طریق تحریک احساسات و سر و صدای بلند پدید می‌آید. کلیساهای ما شدیداً نیازمند شبانانی هستند که فراگیرندگان کلام خدا باشند و بدانند چگونه باید حقایق آن را به‌روشنی به اعضای کلیسایشان عرضه دارند.

تقدیم اراده همچون قربانی

و بالاخره، نباید نادیده بگیریم که دعوت شده‌ایم تا اراده خود را

نیز تسلیم خدا کنیم؛ با چنین پرستشی است که می‌توانیم مطابق اراده نیکو و پسندیده و کامل خدا زندگی کنیم. پرستش راستین به‌معنی اطاعت از اراده خدای پدر است و تسلیم به حاکمیت او در هر جنبه از زندگی‌مان. پرستش راستین را در باغ جتسیمانی مشاهده می‌کنیم، آن گاه که عیسی این کلمات جگرسوز را بیان فرمود: "ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو" (متی ۲۶: ۳۹). به‌هنگام پرستش، میان خواستهای من و اراده خدا تنشی پدیدار می‌گردد. هنگامی‌که پرستندگان راستین تسلیم اراده او می‌شوند، عطر خوشبوی مسیح به آسمان بر می‌خیزد و ایشان در می‌یابند که سبب خشنودی خدا شده‌اند و می‌توانند گامی فراتر به‌سوی شباهت به منجی محبوب خود بر دارند. ثمره پرستش راستین در معجزه دگرگونی گناهکاران مشاهده می‌شود که زمانی دشمن خدا بودند، ولی اکنون هر روزه خود را همچون قربانی زنده به خدای قادر مطلق تقدیم می‌کنند.

بخش پنجم

پرستش در جلسات کلیسایی

اهمیت پرستش در جلسات

"خداوند را با من تکبیر نمایید. نام او را با یکدیگر بر افرازیم" (مزمور ۳۴: ۳).

پرستش گروهی

پرستش خدای متعادل امری است هم شخصی و هم گروهی. در این مجموعه از مقالات که در باره پرستش کتاب‌مقدسی است، تا

اینجا بیشتر بر جنبه شخصی موضوع متمرکز شدیم؛ کوشیدیم تعریف روشنی از پرستش ارائه دهیم و نیز نگاهی نزدیک به پرستش نادرست بیفکنیم. همچنین به ثمره خاص پرستش راستین توجه کردیم. اما پرستش کاری است که ایمانداران با هم به‌صورت یک بدن انجام می‌دهند.

در اعمال ۲: ۴۲-۴۷ روشن مشخصی برای پرستش گروهی مشاهده می‌کنیم. مسیحیان اولیه هر روز در صحن معبد و نیز در خانه‌ها گرد می‌آمدند تا خود را به تعلیم رسولان و پرستش خدا و دعا و شکستن نان و مشارکت وقف کنند. ما باید چقدر مشتاق این نوع پرستش باشیم که در دل آنانی که شاهد بودند ترس و احترام بر می‌انگیخت و جلال خدا را به همگان نشان می‌داد و حضور پرشکوه او را محسوس می‌ساخت. مقصود این آیات این نیست که روشی سختگیرانه و شریعت‌مدارانه برای پرستش به‌دست دهد، بلکه تا عملکردهای کتاب‌مقدسی را که باید در هر جلسه پرستشی مسیحی یافت شود، نشان دهد. در این مقاله، می‌خواهیم عناصر یا بخشهای بنیادینی را که باید در جلسات پرستش مسیحی یافت شود مرور کنیم به این امید که هر خادمی توجه دقیق‌تری به برنامه‌ریزی و آمادگی برای پرستش قوم خدا مبذول دارد.

ارتباط میان موعظه و پرستش

پیش از بحث در باره عناصر و بخشهای خاص پرستش عمومی، باید به چند اصل مربوط به پرستش توجه داشته باشیم. اغلب توجه اصلی بر موعظه کلام خدا متمرکز می‌شود؛ نتیجه آن می‌شود که پرستش گروهی تبدیل می‌گردد به چیزی در حد یک رشته سرود که نه آغاز روشنی دارند و نه موضوعی اصلی و حاکم بر آنها. بسیار مفید خواهد بود که وقتی واعظ موضوع موعظه خود را در اوائل هفته انتخاب می‌کند، آن را با رهبر پرستش در میان بگذارد تا او

بتواند سرودها و قرائت‌هایی را که مناسب پیغام او هستند انتخاب کند. به‌علاوه، پرستش باید طوری برنامه‌ریزی شود که میان رهبر پرستش و عبادت‌کنندگان ارتباطی روحانی برقرار گردد. پرستش را نباید همچون اجرای برنامه‌ای تلقی کرد که در آن یک یا دو رهبر تمام کار پرستش را انجام می‌دهند؛ باید فرصت‌هایی طبیعی به‌وجود آید تا جماعت نیز بتوانند واکنش نشان دهند.

عناصر یا بخشهای جلسات

اکنون توجه خود را معطوف به عناصر یا بخشهای خاص جلسات پرستشی می‌سازیم.

آمادگی برای پرستش

آنانی که دست‌اندر کار رهبری پرستش هستند، باید پیش از وقت آغاز جلسه در محل حاضر باشند تا مطمئن شوند که همه امور مرتب است. سپس باید وقتی را اختصاص دهند تا با هم دعا کنند که خدا ایشان را در مقام رهبران پرستش و جماعت را با قدرت و حضور روح‌القدس مسح کند. وقتی افراد به‌تدریج وارد محل می‌شوند، باید تشویق شوند که با احترام داخل شوند و در تأملی آرام، انتظار خداوند را بکشند؛ این امر فقط زمانی میسر است که رهبران خودشان به‌خوبی آماده شده باشند و در این زمینه، نمونه‌ای باشند برای جماعت. توصیه می‌شود که سلام و احوالپرسی خارج از محل پرستش صورت گیرد تا گفتگوها به حداقل برسد.

دعوت به پرستش

از آنجا که قوم خدا با افکار متفرقه وارد کلیسا می‌شوند، مهم است که جذب روح پرستش شوند تا بتوانند فکر خود را بر خداوند

متمرکز سازند. هدف از حضور در جلسه پرستش این نیست که افراد با دوستان خود ارتباط اجتماعی برقرار کنند یا موسیقی بشنوند و شاد شوند؛ هدف این است که گرد هم آیند تا خدای متعال را تکریم کنند و جلال او را اعلام نمایند و او را بپرستند. در کتاب‌مقدس، بخشهای زیبای متعددی برای دعوت به پرستش هست. یکی از بخشهای محبوب من این است: ''بیایید خداوند را بسراییم و صخره نجات خود را آواز شادمانی دهیم. به حضور او با حمد نزدیک بشویم و با مزامیر او را آواز شادمانی دهیم'' (مزمور ۹۵: ۱-۳). از این بخشها نیز می‌توانید استفاده کنید: مزمور ۳۴: ۱-۳؛ ۸۴: ۱-۴؛ ۹۲: ۱-۲؛ ۹۶: ۱-۴؛ ۱۰۰؛ ۱۰۳: ۱-۵؛ ۱۴۵: ۱-۴.

سرودهای پرستشی

پس از دعوت به پرستش، بسیار مهم است که یک یا چند سرود ستایشی سروده شود (کولسیان ۳: ۱۶). این سرودها باید خدا را جلال دهند و به قوم خدا کمک کنند تا او را در روح و راستی بپرستند.

دعا برای طلبیدن حضور خدا

یکی از تجربیات تلخ من این بوده که در جلساتی شرکت می‌کنم که در آغاز آن، هیچ دعای روشنی برای طلبیدن حضور خدا و قدرت او بر جماعت نمی‌شود. این دعا فقط محدود به ''ما را برکت بده'' نمی‌شود، بلکه باید دعایی باشد که مشتاقانه طالب حضور خدا در میان جماعت شود تا ایشان بتوانند او را جلال دهند و تکریم نمایند. دعای ذیل نمونه‌ای است از این دست از دعاها:

''ای خدای متعال که جلالت فوق آسمانها است، ستایش بر نام تو باد. تو از سر رحمت عظیمت ما در در کلیسایت گرد آورده‌ای. پرستش دل ما را بپذیر و عطا فرما تا نام تو را تکریم نماییم، هم در

دل خود و هم در ظاهر، تا نام تو به‌واسطه پرستش لبها ما و عبادت دل ما جلال یابد. به‌نام عیسی مسیح، خداوند ما. آمین.“

اعتراف به گناه

متأسفانه در بخش پرستشی بسیاری از جلسات، هیچ وقتی به تأمل شخصی اختصاص داده نمی‌شود تا خدا قلب افراد را تفتیش کند (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴). نمونه اشعیا در معبد را فراموش نکنیم (اشعیا ۶) و به یاد داشته باشیم که او به‌هنگام پرستش خدا، قدوسیت او را مشاهده کرد و این امر سبب شد که او خود را بشناسد و تصدیق کند که گناهکاری بیش نیست. پرستشی که متمرکز بر مسیح در مقام پادشاه است، منجر به توبه می‌گردد، توبه‌ای که بدون آن پرستش واقعی مطلقاً تحقق نمی‌یابد. ”اگر بدی را در دل خود منظور می‌داشتم، خداوند مرا نمی‌شنید“ (مزمور ۶۶: ۱۸). بخشهای مناسب ذیل را می‌توان در پرستشهای کلیسایی مورد استفاده قرار داد: اول یوحنا ۱: ۹؛ مزمور ۳۲: ۱-۵؛ ۸۵: ۱-۲؛ ۸۶: ۴-۵؛ ۱۰۳: ۱-۳؛ ۱۳۰: ۳-۴.

اقرار اعتقادنامه

اقرار اعتقادنامه رسولان هر چند هفته یکبار، و خصوصاً به‌هنگام اجرای آیین عشاء ربانی، می‌تواند برای جماعت بسیار مفید باشد زیرا اصول اساسی ایمانشان را به ایشان یادآوری می‌کند.

دعای شبانی

در طول جلسه باید وقتی اختصاص داده شود تا شبان برای نیازهای کلیسایش دعا کند. این امر زمانی مؤثرتر خواهد بود که شبان جماعت خود را خوب بشناسد تا بتواند برای بیماران و مشکلات گله‌اش به‌طور خاص دعا کند.

قرائت و موعظه

برای جماعت باید روشن باشد که شبان از کلام خدا موعظه می‌کند؛ بخش مورد نظر از کلام باید بلافاصله پیش از موعظه قرائت شود. اما پیش از این قرائت، باید دعا شود تا روح‌القدس ذهن واعظ را منور سازد و او را مسح کند.

برکت

جلسه باید با برکتی که شبان می‌دهد پایان یابد. این دعا می‌تواند چنین باشد: ’’سلامتی خدا که فوق از درک است، دلها و ذهنهای شما را در معرفت و محبت خدا، و پسرش خداوند ما عیسی مسیح نگاه دارد؛ و برکت خدای قادر مطلق، پدر، پسر و روح‌القدس بر شما باشد و همواره با شما بماند. آمین.‘‘

بخش ششم

شام خداوند

’’همچنین نان را برگرفته، شکر کرد و پاره نمود و به آنها داد و گفت: ’’این است بدن من که برای شما داده می‌شود؛ این را به یاد من بجا آرید‘‘ (لوقا ۲۲: ۱۹؛ نقل قول‌ها از ترجمه هزار نو می‌باشد).

بخشی مهم از پرستش

بخش بسیار مهمی از پرستش مسیحی، اجرای درست آیین‌های مقدس است. گرچه فرقه‌های مختلف ادراکات متفاوتی دارند در این خصوص که در طول اجرای آیین عشاء ربانی چه اتفاقی رخ می‌دهد، اما همه مسیحیان اعتقاد دارند که خودِ عیسی این آیین را بنیاد نهاد و از کلیسا می‌خواهد که آن را وفادارانه بجا آرند. عشاء

ربانی باید بخشی مرتب از پرستش باشد و آنانی که مسؤول برگزاری آن هستند، باید بسیار مراقب باشند تا آن را مطابق حکم کتاب‌مقدس بجا بیاورند. بسیار اساسی است که همه شبانان با هشدارهای پولس رسول به کلیسای قرنتس در خصوص کاربرد نادرست عشاء ربانی بخوبی آشنا باشند (اول قرنتیان ۱۱: ۱۷-۳۴). در اینجا پولس رهبران کلیسا را سرزنش می‌کند که شام خداوند را حفظ نمی‌کنند و به مردم تعلیم نمی‌دهند که چطور بطرزی شایسته به میز خداوند نزدیک شوند. در این مقاله، خواهم کوشید تعلیم کتاب‌مقدس در باره شام خداوند و نحوه برگزاری درست آن را برسی کنم.

وسیله‌ای برای انتقال فیض

عشاء ربانی یک آیین مقدس است و مقرر شده تا وسیله‌ای باشد تا قوم خدا حضور و فیض او را تجربه کنند. البته وسایل دیگری نیز برای انتقال فیض وجود دارد، نظیر کلام خدا و دعا، اما خداوندْ عیسی عشاء ربانی را بنیاد نهاد تا روشی قابل رؤیت و ملموس باشد برای به یاد آوردنِ مرگ و کفاره او. عشاء ربانی دارای نشانه‌هایی بیرونی و قابل رؤیت، یعنی نان و شراب است. اما اینها به‌تنهایی کافی نیستند مگر آنکه این آیین با موعظه کلام و کار درونی روح‌القدس همراه باشد. فقط در این صورت است که این آیین مقدس ثمره توبه و مشارکت با مسیح را در زندگی شرکت‌کننده پدید می‌آورد. آنانی که این آیین را برگزار می‌کنند، باید به جماعت خود کمک کنند تا درک کنند که چه اموری را باید به یاد آورند. این امور بشرح زیر است:

۱- شام خداوند یادآورِ تاریخیت مرگ نیابتی خداوند بر صلیب می‌باشد. ”زیرا هر گاه این نان را بخورید و از این جام بنوشید، مرگ خداوند را اعلام می‌کنید تا زمانی که باز آید“ (اول قرنتیان

۱۱: ۲۶).

۲- شام خداوند یادآور این واقعیت است که وقتی ایماندار با ایمان نزد مسیح می‌آید، برای حیاتی جدید می‌میرد و قیام می‌کند؛ به این ترتیب، او به زندگی مبتنی بر اطاعت فرا خوانده می‌شود. ''پس با تعمید یافتن در مرگ، با او دفن شدیم تا... ما نیز در زندگی نوینی گام بر داریم'' (رومیان ۶: ۴).

۳- شام خداوند فرصتی است تا ایمانداران به گناهانی که در حق خدا و دیگران انجام داده‌اند اعتراف کرده، از راه توبه، از گناهان خود بازگشت‌کنندوبار دیگر، با رابطه‌ای جدید نزد مسیح آیند. ''پس توبه کنید و بسوی خدا باز گردید تا گناهانتان پاک شود و ایام استراحت از حضور خداوند برایتان فرا رسد'' (اعمال ۳: ۱۹). در شام خداوند، فرا خوانده می‌شویم تا در وعده‌های او شادی کنیم و حضور او را تجربه نماییم زیرا می‌توانیم بار دیگر فیض حیرت‌انگیز او و محبتی را که نسبت به هر یک از ما دارد بچشیم.

چه کسانی می‌توانند در عشاء ربانی شرکت کند؟

وظیفه مهم کسی که عشاء ربانی را برگزار می‌کند این است که روشن سازد چه کسانی می‌توانند در آن شرکت جویند.

نخست، امتیاز نزدیک شدن به شام خداوند انحصاراً از آن ایمانداران است. بسیار مفید خواهد بود که در جماعت خود این خطمشی را تعیین کنید که شخص پیش از آنکه مجاز به شراکت در شکستن نان گردد، باید ایمانداری تعمیدیافته باشد. من اغلب این نکته را برای بی‌ایمانان تشریح می‌کنم و می‌گویم که آنانی که به این آیین نزدیک می‌شوند، باید ایمان داشته باشند که عیسی پسر خدا و یگانه منجی بشریت است و باید علناً اعلام دارند که از آن اویند.

دوم، کسانی که مایل به شرکت در شام خداوند هستند باید از شبان خود تعلیم کتاب‌مقدس را در این زمینه دریافت دارند، و خود را

تفتیش کرده، به گناهان خود اعتراف کنند و از آنها توبه نمایند.

سوم، کودکان نباید مجاز به شرکت در شام خداوند باشند مگر آنکه والدینشان ایماندار باشند و ایشان فرزندان خود را بسوی مسیح هدایت کرده و آنان را کاملاً آماده کرده باشند. اگر کودکان از والدین خود آمادگی لازم را دریافت کرده باشند، باید در طول پرستش در کنار والدینشان بنشینند.این شدیداً باعث ننگ خداوند است که آیین عشاء ربانی با بی‌انضباطی اجرا می‌شود، طوری که بی‌ایمانان و کودکان عناصر شام خداوند را بدون درک واقعی معنای آن دریافت می‌دارند.

چگونه کلیسا را برای شام خداوند آماده سازیم؟

پری استون در کتاب کوچک خود به نام ''خوراکی که شفا می‌بخشد'' خلاصه‌وار نحوه آمادگی برای شرکت در شام خداوند را بیان داشته است. وی گامهایی را ذکر می‌کند که باید پیش از شرکت در این آیین مقدس برداشته شود. این گامها بشرح زیر است:

به درون خود نگاه کنیم

از خدا بخواهید که دلتان را تفتیش کند. پولس چنین هشدار می‌دهد: ''هر کس پیش از آنکه از نان بخورد و از جام بنوشد، خود را بیازماید'' (اول قرنتیان ۱۱: ۲۸). بخش مهمی از تفتیش خویشتن این است که از خدا بخواهیم او نیز دل ما را تفتیش کند (مزمور ۱۳۹: ۲۳-۲۴). به یاد دارم که در ایران وقتی برنج می‌خریدیم، می‌بایست آن را روی ظرفی پخش می‌کردیم و آشخالها را یک به یک از آن بیرون می‌کشیدیم. چه فکر زیبایی است که ما نیز سفره دل خود را در حضور خدای روح‌القدس پهن کنیم تا هر ناپاکی را که مانع پرستش ما در روح و راستی می‌شود، بر دارد.

به بیرون از خود نگاه کنیم

لحظه‌ای مکث کنید تا به روابط خود با دیگران بنگرید. از خدا بخواهید نشان دهد که آیا نیاز دارید با کسی مصالحه کنید یا نه (متی ۵: ۲۳-۲۴). شاید لازم باشد پیش از شرکت در شام خداوند کسی را ببخشید یا از کسی عذرخواهی کنید. اخیراً در جلسه‌ای نشسته بودم و در سکوت دل خود را برای برگزاری آیین عشاء ربانی آماده می‌کردم؛ خانمی آمد و بخاطر تلخی‌ای که در دلش نسبت به من داشت، از من عذرخواهی کرد. من متوجه نشده بودم که او را آزرده بودم. هر دو با چشمانی اشک‌آلود در برابر میز شام خداوند با یکدیگر مصالحه کردیم. یکی از برکات شام خداوند این است که فرصتی می‌دهد تا با یکدیگر مصالحه کنیم.

به بالا نگاه کنیم

وقتی دل خود را آماده می‌سازیم، مهم است که به آسمان نگاه کنیم، به آنجا که مسیح نشسته است. در عبرانیان ۱: ۳ چنین می‌خوانیم: ''او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست.'' فدیه ما تکمیل شده و در مسیح عیسی هیچ محکومیتی برای ما وجود ندارد. وقتی در نان و شراب شراکت می‌جوییم، چه زیبا است که در فدیه کامل‌شده او بیاساییم.

به جلو نگاه کنیم

در برابر میز عشاء ربانی، به آینده خود در مسیح می‌نگریم. پطرس رسول چنین می‌فرماید: ''سپاس بر خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که از رحمت عظیم خود، ما را به‌واسطه رستاخیز عیسی مسیح از مردگان، تولدی تازه بخشید برای امیدی زنده'' (اول پطرس ۱: ۳). امید ما به حیات جاویدان است، و نیز به تقدیس ما، و به این یقین که رنجهای زمان حاضر همگی برای جلال او به‌کار

خواهد رفت. امید ما به بازگشت خداوند است زیرا او فرمود: ”تا آمدن پادشاهی خدا، دیگر از محصول مو نخواهم نوشید“ (لوقا ۲۲: ۱۸).

چگونه شام خداوند را برگزار کنیم

عشاء ربانی باید در چارچوب جلسه عمومی پرستشی برگزار شود، جایی که پرستش و موعظه کلام صورت گرفته باشد. در اینجا ترتیب پیشنهادی زیر را ارائه می‌دهیم:

- دعوت به شام خداوند
- قرائت: اول قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۶
- دعا برای تقدیس نان و شراب
- تقسیم نان و بعد شراب
- دعای شکرگزاری

امید است این مقاله باعث روشنتر شدن تعلیم کتاب‌مقدس در زمینه این امر مقدس شده باشد.

بخش هفتم

مراسم تدفین مسیحی

”اما ای برادران نمی‌خواهم شما از حالت خوابیدگان بی‌خبر باشید که مبادا مثل دیگران که امید ندارند، محزون شوید“ (اول تسالونیکیان ۴: ۱۳).

فرصتی برای اعلام امید

مرگ فرد مسیحی یک پیروزی است، نه شکست. به همین جهت،

مسیحیان باید در بحبوحه عزای خود، خدا را بپرستند تا شهادتی باشد در خصوص امیدشان به قیامت. پولس می‌فرماید: ''ای موت نیش تو کجا است و ای گور ظفر تو کجا؟ لیکن شکر خدا را است که ما به بواسطه خداوند ما عیسی مسیح ظفر می‌دهد'' (اول قرنتیان ۱۵: ۵۵، ۵۷). برای شبان کلیسا، مرگ یک عزیز فرصتی است منحصربه‌فرد برای تسلی دادن ماتمیان با توسل به حضور و قدرت ظفر مسیح بر صلیب و قیام شکوهمند او؛ اما همچنین فرصتی است تا به ایشان کمک کند مراسمی برگزار کنند که خدا را جلال دهد و کلیسایش را نیز تقویت بخشد. در خصوص تدارک مراسم تشییع جنازه و تدفین، عامل اصلی این نیست که شخص متوفی ایماندار بوده یا نه. آنچه که بسیار اهمیت دارد، این است که خادم خدا به کسانی که نیاز به کمک دارند، یاری برساند. این مراسم فرصتی استثنایی است برای اعلام امید قیامت و شراکت در اندوه خانواده عزادار. لازم نیست در مورد وضعیت شخص متوفی در ابدیت دست به تعبیر و تفسیر بزنیم، بلکه باید امید انجیل را تعلیم دهیم و برای ماتمزدگان دعا کنیم.

تدراک از پیش

در بسیاری از موارد، در مراسم تشییع جنازه روشهایی به‌کار برده می‌شود که مطابق با اصول مسیحیت نیست و باعث جلال یافتن خدا نمی‌شود؛ لذا عاقلانه است که خادم تا حد امکان در این موارد پیش از وقوع وفات، با خانواده شخص صحبت کند. روش من این بوده که از اعضای مسن کلیسایم بخواهم که تعیین کنند در مراسم تشییع جنازه و تدفینشان چه سرودهایی مایلند سروده شود و کدام بخشهای کتاب‌مقدس قرائت شود. ممکن است این روش کمی خشن به‌نظر برسد. اما برای شخص ایماندار می‌تواند بسیار اطمینان‌بخش و رهایی‌بخش باشد که با قریب‌الوقوع بودن مرگ خود مواجه شود و

آخرین شهادت خود را به مسیح آماده سازد.

برای برنامه‌ریزی مراسم تدفین، هدف باید این باشد که این امر با مراسم غیرمسیحی متفاوت باشد. اگر متوفی ایماندار بوده باشد، بسیار مناسب است که مراسم در کلیسا برگزار گردد. در غیر اینصورت، باید آن را در خانه یا در یک سالن مخصوص برگزار کرد. آداب و رسوم فرهنگی زیادی هست که باید به‌خاطر خویشان و دوستان رعایت کرد، اما باید تمام تلاش را بکنیم تا به ”امیدی که در ماست“ شهادت دهیم. سرودها و قرائت‌های مناسب باید از پیش تهیه شود و مورد تمرین قرار گیرد تا همه چیز با شایستگی انجام پذیرد. باعث تسلی بسیار است که خلاصه‌ای از شرح حال متوفی توسط یکی از اعضای خانواده خوانده شود و بعد از آن، وقتی برای شهادت‌های افراد داده شود.

مراسم در کلیسا

مراسم باید با خوشامد و ابراز همدردی غاز شود و کلامی تسلی‌بخش از کلام خدا قرائت گردد. می‌توان از این آیات استفاده کرد: ”اعانت ما از جانب خداوند است که آسمان و زمین را آفرید“ (مزمور ۱۲۱: ۲)؛ ”خداوند ملجاً و قوت ما است؛ مددکاری که در تنگیها فوراً یافت می‌شود. پس نخواهیم ترسید“؛ ”من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد زنده گردد. و هر که زنده بُوَد، تا به ابد نخواهد مرد“ (یوحنا ۱۱: ۲۶).

سپس خادم باید طی دعای کوتاهی، حضور روح‌القدس و تسلی او را بطلبد. مثلاً می‌تواند بگوید: ”ای خدای ابدی، پدر آسمانی ما، که با محبتی ابدی ما را محبت کردی و حضورت منبع تمام تسلی و آرامش ما است، اکنون بیا و وادی سایه موت را به صبح قیام خود تبدیل نما. ما را مدد کن تا با قلبی آرام و همراه با توکل چشم انتظار تو باشیم. در این ساعت پریشانی‌مان از طریق کلامت با ما سخن

بگو و ما را از تاریکی به نور و آرامش حضور خودت بر آور. به‌واسطه عیسی مسیح، خداوند ما. آمین!“

سپس توجه جماعت باید متوجه قرائت برخی از مزامیر معطوف شود، مثلاً مزمور ۲۳، ۳۹، ۴۶، ۹۰، ۱۲۱، ۱۳۰. پس از قرائت دو یا سه مزمور، خادم می‌تواند جماعت را در امر دعای شفاعت برای خانواده متوفی هدایت کند. باید سعی کند برای هر یک از اعضای خانوادهٔ متوفی به‌طور خاص و به نام دعا کند و برای زندگی و خاطرهٔ وی شکرگزاری به‌عمل آورد. سپس باید گزیده‌هایی از عهدجدید قرائت شود، برای مثال آیاتی از یوحنا ۱۴، اول قرنتیان ۱۵، رومیان ۸، اول تسالونیکیان ۴ و مکاشفه ۲۱. پس از این قرائت‌ها، مناسب است که اعلامیه فوت خوانده شود و اعضای خانواده توضیحات شخصی خود را ارائه دهند. سپس خادم باید موعظه‌ای کوتاه از کلام خدا، حدود ده تا پانزده دقیقه ایراد کند و امید انجیل را اعلام نماید و بعد، مراسم را با دعا خاتمه دهد.

بر سر مزار

بر سر مزار، وقتی همه گرد تابوت جمع شدند، خادم باید مزمور ۲۳ را بخواند و پیکر متوفی را با امید به قیامت به خاک بسپارد. دعایی سنتی که معمولاً در این موقع خوانده می‌شود چنین است: ”روح این برادر/خواهر را به رحمت خدای قادر متعال می‌سپاریم و بدنش را به خاک؛ خاک به خاک؛ به امید قطعی و مطمئن قیامت برای حیات جاودانی.“ بعضی از خادمین عادت دارند بر روی تابوت خاک بپاشند و دیگران بر آن دست می‌گذارند و دعا می‌کنند و می‌گویند: ”خدای قادر متعال که با مرگ پسر عزیز خود عیسی مسیح، مرگ را نابود ساخته‌ای، و با قرارگیری پیکرش در مقبره، قبر مقدسین را تقدیس کرده‌ای، و با قیام شکوهمندش حیات و فناناپذیری را به نور آورده‌ای، ستایش و سپاس ما را برای

پیروزی‌ای که به همهٔ آنانی که در او می‌خوابند داده‌ای بپذیر. ما را در مشارکت ابدی با منتظران خود و با آنان که در آسمان با تو هستند نگاه دار. به‌واسطهٔ عیسی مسیح، خداوند ما که قیامت و حیات است، جهان بی‌انتها، آمین.“

بخش هشتم

پرستش، طعمی از آسمان

”و (خدا ما را) با او بر خیزانید و در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید“ (افسسیان ۲: ۶).

پرستش عالی‌ترین نشان کلیسای عیسی مسیح است. پرستش و عبادت خدای پدر از طریق کار نجات‌بخش پسر او عیسی مسیح، در قدرت روح‌القدس آن چیزی است که قوم خدا را از آنانی که در مذبح نفس و ماتریالیسم عبادت می‌کنند، متمایز می‌سازد. در این مجموعه از مقالات در مورد پرستش خدا، کوشیدم درکی درست از کتاب‌مقدس در خصوص ماهیت پرستش ارائه دهم تا کلیساهای فارسی‌زبان را در ارزیابی پرستششان در پرتو شناخت درست خدا کمک کنم تا بتوانند خدا را به‌شیوه‌ای درست در روح و راستی بپرستند. هدف من در این بخش آخر از این مجموعه، این است که نشان دهم هرگاه خدا به‌درستی مورد پرستش قرار گیرد، مؤمنان طعم آسمان را خواهند چشید.

پرستشی آسمانی

در عهدعتیق، عبادت خدا سایه‌ای بود از چیزهایی که می‌بایست

بیاید. از اینرو است که موسی دستورالعمل‌هایی دقیق دریافت کرد تا خیمهٔ اجتماع را به‌گونه‌ای بسازد که بازتابی از پرستش در آسمان باشد. عبرانیان ۸: ۵ می‌فرماید: ''ایشان شبیه و سایهٔ چیزهای آسمانی را خدمت می‌کنند.'' اما با آمدن پیمان جدید، ما وارد واقعیت‌های آسمان می‌شویم. ''و (خدا ما را) با او بر خیزانید و در جایهای آسمانی در مسیح عیسی نشانید'' (افسسیان ۲: ۶). عیسی وقتی با ایمان صادقانهٔ نتنائیل روبرو شد، گفت: ''آمین، آمین، به شما می‌گویم که از کنون آسمان را گشاده، و فرشتگان خدا را که بر پسر انسان صعود و نزول می‌کنند، خواهید دید'' (یوحنا ۱: ۵۱). همچنین یوحنای رسول وقتی عیسی را در رؤیا در آسمان دید، گفت: ''و چون او را دیدم، مثل مرده پیش پایهایش افتادم'' (مکاشفه ۱: ۱۷). یوحنا صحنه‌های دیگری را نیز از پرستش و عبادتی که در آسمان صورت می‌گیرد تشریح کرده است. پرستش خدا به‌واسطهٔ عیسی مسیح طعمی از لذت شادی‌بخش پرستش در آسمان را از هم‌اکنون به ما می‌دهد. سراینده مزمور می‌فرماید: ''طریق حیات را به من خواهی آموخت. به حضور تو کمال خوشی است و به دست راست تو لذت‌ها تا ابدالآباد'' (مزمور ۱۶: ۱۱).

تقویت‌کنندهٔ کلیسا

پرستش بر روی زمین وقتی بر خودِ خدا متمرکز گردد، طعم آسمان را به ما می‌دهد، زیرا پرستش امری است که تمام آسمان را آکنده می‌سازد، یعنی جذب شدن در پرستش خدا. یوحنای رسول در مکاشفه ۷: ۱۱-۱۲ می‌فرماید: ''در پیش تخت به روی در افتاده، خدا را سجده کردند و گفتند: آمین! برکت و جلال و حکمت و سپاس و اکرام و قوت و توانایی، خدای ما را باد تا ابدالآباد. آمین!'' هر چه بیشتر خدا را موضوع پرستش خود بسازیم، بیشتر رایحهٔ آسمان را احساس خواهیم کرد. ما سزاوار عذاب جاودانی بودیم؛ به همین

جهت، هر چه بیشتر به صفات پرشکوه خدا بیندیشیم و بر فیض اعجاب‌آور او تأمل کنیم، نور خدا بیشتر بر اوقات حمد و ستایش ما خواهد تابید. پرستش خدا برای کلیسا جنبه‌ای مرکزی دارد، زیرا آسمان و زمین زایل خواهد شد، اما پرستش خدا برای ابدیت باقی خواهد ماند. بسیار حیاتی است که بیاموزیم نام خداوند را بر زمین جلال دهیم، زیرا کلیسا را برای آسمان آماده می‌سازد و آن را تقویت می‌نماید، طوری که بتواند در آزمایشها و رنجهای این جهان استقامت نشان دهد. کلیسا در پیکارهای کنونی خود قدرت دریافت می‌کند، چرا که می‌داند چه چیزی در انتظار قوم مسیح می‌باشد. در آسمان است که او را روبه‌رو خواهیم دید (اول یوحنا ۳: ۲)، و آنچه که بر زمین چشیده‌ایم، تبدیل به واقعیتی تمام عیار خواهد شد.

انگیزشی برای زندگی خداپسندانه

پرستش بر روی زمین طعم آسمان را به ما می‌دهد و این می‌تواند ما را انگیزش دهد تا زندگی مسیح‌واری داشته باشیم و خداوند را خدمت کنیم. در پرستش خدا است که می‌آموزیم خدا را برای هر چیزی جلال دهیم. طبیعت انسان به‌نوعی است که می‌خواهد همه تکریم را به خود نسبت دهد. فقط کار معجزه‌آسای خدا است که انسان را قادر می‌سازد تکریم و افتخار و جلال خود را به خدا واگذارد. من روش توصیف جان پایپر را از جلال دادن خدا خیلی دوست دارم؛ می‌گوید: "هر چه بیشتر رضایت درونی را در خدا بیابیم، خدا بیشتر در زندگی ما جلال خواهد یافت." هر چه بیشتر رضایت درونی و واقعی خود را در خدا بیابیم، شعلهٔ خدمت مسیح با وارستگی بیشتر در ما فروزان می‌شود. موعظه‌های ما با اشتیاق برای خدا و کلامش انگیزش می‌یابد و شنوندگان ما تحت الزام بیشتری قرار می‌گیرند. سرودهای ما از شادی‌ای که برخاسته از رابطه‌ای صمیمانه با خدا است همراه می‌شود. و آنگاه اشتیاق برای برخورداری از زندگی

مقدس از ترس ما از خداوند نشأت می‌گیرد. وقتی به جریان یافتن این تغییرات پویا توجه می‌کنیم، می‌توانیم ببینیم که کلیسا در حال پرستش، طعمی از جلالی را که در آینده خواهد آمد به ایماندار می‌دهد. این همان چیزی است که نویسندگان عهدجدید آن را ''امید'' نامیده‌اند، امیدی که ناشی از اطمینان به آینده است به‌واسطهٔ کار نجات‌بخش مسیح. در چنین شرایطی، پرستش تبدیل می‌شود به طعمی از آسمان، چرا که منجر به تحول زندگی می‌گردد، زندگی‌ای که بازتابی است از خصائل و تقدس مسیح.

ایجاد شور و شوق برای بشارت

و بالاخره، طعم آسمان را در پرستش زمانی می‌چشیم که شعلهٔ اشتیاق به جلال دادن طبیعت خدا از طریق شور و شوق به بشارت در ما زبانهٔ بکشد، چرا که می‌دانیم نتیجهٔ تکمیل‌شدهٔ آن را در آسمان خواهیم دید. یکبار دیگر با من به رؤیای یوحنای رسول در بارهٔ آسمان نگاهی بیندازید؛ می‌فرماید: ''و بعد از این دیدم که اینک گروهی عظیم که هیچکس ایشان را نتواند شمرد، از هر امت و قبیله و قوم و زبان در پیش تخت و در حضور بره به جامه‌های سفید آراسته و شاخه‌های نخل به دست گرفته، ایستاده‌اند'' (مکاشفه ۷: ۹). پرستش در آسمان تکمیل یافتن مأموریت بشارتی‌ای است که عیسی به کلیسایش سپرد آن زمان که به رسولانش فرمود تا انجیل را به تمام جهان موعظه کنند. هر چه شعلهٔ پرستش در قلب کلیسا فروزانتر باشد، کلیسا بیشتر انگیزش خواهد یافت تا به اقصا نقاط جهان برود و جلال خدا را با مردم در میان بگذارد. کلیسا در چنین شرایطی اشتیاق خواهد داشت که سایر مردم نیز طعم پرستش راستین را بچشند. جان پایپر در کتابش به‌نام ''بگذارید ملت‌ها شاد باشند'' می‌نویسد: ''هر گاه اشتیاق برای حضور خدا ضعیف باشد، غیرت برای بشارت نیز ضعیف خواهد بود. کلیساهایی که بر جلال

دادن عظمت و زیبایی خدا متمرکز نیستند، به‌ندرت اشتیاق خواهند داشت که جلال خدا را به ملت‌ها اعلام دارند (مزمور ۹۶: ۳).“

کتاب مکاشفه با فریاد اشتیاق هر مسیحی به پایان می‌رسد: ”بیا، ای خداوند عیسی!“ آنانی که منتظر بازگشت اویند، کسانی هستند که طعم پرستش آسمانی را بر روی زمین چشیده‌اند و می‌توانند با تمام دل و فکر خود بگویند: ”تخت‌نشین و بره را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابدالآباد!“ (مکاشفه ۵: ۱۳).

دعای من این است که کلیسای شما به قدرت وصف‌ناپذیر پرستش پی ببرد، پرستشی که واقعیت‌های آسمان را آشکار می‌سازد. با این گونه پرستیدن خدا، واقعیت‌های ملکوت آسمان وارد زندگی هر عبادت‌کننده خواهد شد و طعم آسمان را به او خواهد چشانید.

سایر نشریات مؤسسه "تعلیم"

- خلاصه اصول اعتقادات مسیحیت
- تشخیص اراده خدا
- در جستجوی اهمیت و بزرگی
- موعظه کتاب‌مقدسی
- ازدواج مسیحی
- قدرت بخشش کتاب‌مقدسی

.TALIM Ministries, Inc

P.O. Box 47 17 36
Aurora, Colorado 80047-1736
.U.S.A

Fax: +1-303-873 62 16

(February 2006)